**تربیت اثربخش در مدرسه**

مقدمه:

شما معلمین عزیز، با همه زحمات فراوانی که در راه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان انجام می‌دهید ولی کاهی نتیجه مطلوب را نمی‌گیرید و هرچه تلاش می‌کنید، نمی‌توانید کلاس را آماده تدریس کنید و فرآیند یاددهی - یادگیری را افزایش دهید.

با خود فکر کرده‌اید تفاوت تدریس کارآمد و تدریسی که منجر به شکست می‌شود در چیست؟ احتمالاً معلمین با توجه به تجربیات خود، پاسخ‌های متفاوتی به این سؤال می‌دهند ولی از نظر ما، عاملی که در این موضوع سهم دارد کیفیت ارتباط بین معلم و شاگرد است و این موضوع مهم‌تر از آن چیزی است که معلم تدریس می‌کند یا سعی دارد که آن را تدریس کند. مهارت‌های تربیت اثربخش قابل استفاده در هر سه مقطع تحصیلی (ابتدایی - راهنمایی - دبیرستان) می‌باشد. امید است که این مباحث راه‌گشای معلمین عزیز باشد. لطفاً دوستان عزیز نظرات‌شان را در مورد این مطالب به نویسنده ارائه دهند.

**رابطه معلم - شاگردی**

همان‌طور که می‌دانیم، تدریس حرفه‌ای است که هرکس به نوعی، مشغول آن است. از پدر و مادر در خانه تا صاحبان کار در ادارات و مدارس و غیره. با توجه به گستردگی تدریس ، چگونه باید انجام شود تا تأثیر بیشتر و قابل توجهی را بر شاگردان بگذارد. روش تربیت اثربخش باعث افزایش تأثیرگذاری افرادی می‌شود که به نوعی با آموزش درگیرند. مشاهده اینکه در یک رابطه آموزشی، یک جوان چیز تازه‌ای کسب می‌کند و درک او از جهان توسعه می‌یابد و مهارت‌هایش افزایش می‌یابد، بسیار نشاط‌انگیز است. از سوی دیگر تدریس به جوانان می‌تواند به شدت مأیوس‌کننده نیز باشد و در این هنگام در معلم (یاد دهنده) احساس‌های زیر را برمی‌انگیزد:

- احساس عدم لیاقت

- ناامیدی

- بدخلقی

- رنجش از دانش‌آموز بی‌میل و ناسپاس

بنابراین رابطه معلم - شاگردی یکی از عوامل مهم در تدریس است و کیفیت این رابطه تأثیر مستقیمی بر آن می‌گذارد. نکات حساس در رابطه معلم - شاگردی چه می‌تواند باشد:

1- پایه مهارت‌های رابطه بین معلم و شاگرد، «سخن گفتن» است. «سخن گفتن» چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ این مهارت هم موجب افزایش رابطه و هم موجب کاهش آن می‌شود و اثر آن بستگی به کیفیت آن و گزینش مناسب‌ترین نوع گفتار از سوی معلم با توجه به موقعیت‌های مختلف دارد.

2- مهارت بعدی «گوش دادن» است که نقش حساسی در تسهیل آموزش دارد. آنچه که در ظاهر فکر می‌کنیم که می‌شنویم، شاید در واقع آن چیزی نباشد که دانش‌آموز قصد بیان آن را دارد.

اگر رابطه معلم - شاگردی خوب برقرار نشود، دانش‌آموز در برابر آموزش مقاومت می‌کند و این مقاومت به دلایل: داشتن احساس حقارت، بی‌اعتمادی، سوء تفاهم، کنار زده شدن، بی‌اعتنایی، ارزیابی عیب‌جویانه می‌باشد. بنابراین برقراری رابطه مناسب معلم - شاگرد، باعث می‌شود که زمان بیشتری را برای تدریس داشته باشید و آموزش واقعی ادامه یابد.

یک سؤال که مطرح می‌شود این است که آیا این مهارت‌ها در کلاس درس جواب می‌دهد یا تنها یک حالت ایده‌آل است که قابلیت اجرایی ندارد؟ در پاسخ این سؤال، به تاریخچه این روش اشاره می‌شود:

تربیت اثربخش توسط توماس گوردن ابداع شد و طی سالیان متمادی در یک دوره 30 ساعته در برخی از کشورها، به معلمین آموزش داده می‌شود و متکی بر کارهای عملی است که معلمین هر روز در کلاس مطرح می‌کنند و تأثیر خود را در کلاس‌هایی که معلمین آنها آموزش دیده‌اند، نشان داده است.

**مزایای به کارگیری تربیت اثربخش در دانش‌آموزان**

1- دانش‌آموزان خود جهت‌گیر و مسئولیت‌پذیر می‌شوند.

2- دانش‌آموزان می‌توانند در مدرسه، ابراز شخصیت کنند.

3- دانش‌آموزان رابطه انسانی و آزادتری با معلمین و هم‌کلاسان برقرار می‌کنند.

4- با وجود تفاوت در مراحل مختلف پیشرفت در بچه‌ها، ولی رابطه انسانی بین معلم و شاگرد یک‌نواخت باقی می‌ماند.

5- از برچسب زدن به دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند. زیرا برچسب زدن باعث می‌شود که:

الف: اعتماد به نفس دانش‌آموز پایین بیاید.

ب: بر روی انتظارات معلم از دانش‌آموز اثر می‌گذارد و کیفیت و کمیت راهنمایی او را پایین می‌آورد.

6- با کاربرد مهارت گوش دادن فعال، دانش‌آموز احساس می‌کند حرفش شنیده و درک می‌شود.

7- دانش‌آموز در حالی از خود دفاع می‌کند که مورد حمله واقع شود یا تحقیر شود، به کاربردن تکنیک «پیام من» در دانش‌آموزان مزاحم قابل استفاده است و مقاومت آنها را کاهش می‌دهد.

**با به کار بردن تربیت اثربخش با مشکل همیشگی «انضباط» چه کنیم؟**

سخت‌ترین مسأله برای معلم، رفتارهای غیرقابل پذیرش دانش‌آموز است. روش‌های سنتی برقراری نظم با توسل به تهدید، تنبیه آن هم به شیوه عملی، خجالت دادن کلامی و سرزنش دانش‌آموز باعث ایجاد مقاومت، عصیان و تلافی آنها می‌شود و عملاً کاری غیرکافی و نفرت‌انگیز است و حتی اگر با این شیوه‌ها رفتار تغییر کند، موقتی می‌باشد. پس معلم برای برقراری نظم چه باید بکند؟

او می‌تواند با استفاده از قانون‌گذاری، اقتدار خود را در کلاس حفظ کند و برای وضع قوانین کلاسی باید از مشارکت دانش‌آموزان استفاده کند تا باعث بالا رفتن انگیزه آن ها برای اجرای قوانین شود و این کار در عین حال وقت کم‌تری از معلم برای اجرای قوانین می‌گیرد.

تفاوت زبان شیوه سنتی انضباط و تربیت اثربخش را در واژه‌های زیر می‌بینیم:

در شیوه سنتی انضباط از واژه‌هایی مانند: کنترل کردن - جهت دادن - تنبیه - تعهد - حد قائل شدن - سیاست به کار بردن - تأکید - قانون را زیر پا گذاشتن - سخت‌گیری - توبیخ - سرزنش - دستور - انتظار و غیره استفاده می‌شود.

واژه‌های انضباطی تربیت اثربخش عبارتند از: حل مسأله - از بین بردن ناسارگاری - تأثیرگذاری - هماهنگی - همکاری - هم‌فکری - تصمیم‌گیری مشترک - از میان برداشتن اختلافات با بچه‌ها - رسیدن به توافق دوجانبه - داد و ستد - انجام خواسته‌ها - روی چیزها کار کردن و غیره استفاده می‌شود.

**چگونگی استفاده معلمان از مباحث تربیت اثربخش**

1- استفاده از روش‌های آموزشی تربیت اثربخش زمانی مؤثر است که محیط سازگار و هماهنگ با مدرسه توسط والدین دانش‌آموز به وجود آید. بنابراین والدین را برای استفاده از این روش، آشنا و ترغیب نمایید.

2- مدیران و سایر همکاران را با فلسفه این روش آشنا سازید تا موجب حمایت بهتر آن ها و اجرای کامل‌تر آن شود.

3- «روش تربیت اثربخش در مدرسه» یک سیستم کامل است بنابراین برای تأثیر بیشتر آن باید مهارت‌های خاص و اصول به خوبی درک و به کار برده شود.

4- منطق «روش تربیت اثربخش در مدرسه» را با شاگردان خود در میان بگذارید و برای آن ها توضیح دهید که چرا و چگونه باید با کمک یکدیگر از این روش استفاده کنید زیرا این کار باعث کاهش مقاومت آن ها در برابر روش‌های جدید شما می‌شود و آن ها را خوشایند کرده و یادگیری را افزایش می‌دهد.

5- هرچه در اجرای این روش‌ها مداومت داشته باشید باعث موفقیت آن ها می‌شود.

**چگونگی استفاده والدین از این مباحث**

1- به علت این که والدین اولین و مؤثرترین مربیان کودک هستند، این روش‌ها، کارآیی آن ها را در خانه افزایش می‌دهد.

2- والدین می‌توانند معلمین فرزندان خود را با «روش تربیت اثربخش در مدرسه» آشنا سازند.

3- راه‌های افزایش تأثیر خود (به عنوان والد) بر رابطه بین معلم و فرزندتان را، با استفاده از این روش، فرا بگیرید.

4- در هنگامی که فرزندتان از معلمین و مدرسه شکایت می‌کنند: از معلم و مدرسه حمایت نکنید و در مقابل هم، شتابان نتیجه‌گیری نکنید (یعنی حق را به فرزندتان ندهید). برای کمک به فرزندتان در حل مشکلات با مدرسه، از روش «تربیت اثربخش» استفاده کنید.

**«تربیت اثربخش در مدرسه» به شما چه چیزی خواهد آموخت**

1- چگونه صحبت کنید که دانش‌آموزان گوش بدهند.

2- وقتی دانش‌آموزان، مشکل خود را به شما انتقال می‌دهند، چگونه بهترین کمک را به آن ها بکنید.

3- چگونه تعارضات بین خود و دانش‌آموزان را حل کنید، به گونه‌ای که هیچ‌کس صدمه نبیند و رابطه از بین نرود.

4- چگونه قوانین کلاس را تعیین کنید به گونه‌ای که برای اجرای آن ها، کم‌ترین چالش را داشته باشید.

5- چگونه زمان یاددهی - یادگیری را افزایش دهید.

6- موانع یادگیری - یاددهی را شناسایی کنید برخی از این موانع می‌تواند به دلایل زیر باشد:

- مقاومت یادگیرنده

- فقدان انگیزه

- کم‌توجهی

- داشتن مشکلات ویژه یادگیری

- داشتن مشکلات عاطفی و هیجانی

- داشتن مشکلات خانوادگی و غیره

حال که با ضرورت و فواید تربیت اثربخش آشنا شدیم، شیوه‌های کاربرد آن را در در اختیار شما معلمین عزیز می‌گذاریم.

**الگوی ارتباط مؤثر معلم - شاگردی**

معلمین با ذوق و اشتیاق، کار را شروع می‌کنند ولی کار آنها به مرور، به یک کار خسته‌کننده و تکراری تبدیل می‌شود و استرس فراوانی را به آنها وارد می‌کند. واقعاً مشکل در کجاست؟

اشکال را از نگاه معلمان می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

- آنها از استادان و مشاوران انتقاد می‌کنند که آموخته‌های آنها با دنیای واقعی فاصله دارد.

- وجود این نگرش که بچه‌های امروزی عوض شده‌اند یا مدارس عوض شده‌اند.

- مدیران را، به خاطر جمعیت زیاد کلاس، کمبود شرایط مطلوب و درآمد، سرزنش می‌کنند.

- خود را سرزنش می‌کنند که برای حرفه معلمی ساخته نشده‌اند.

پاسخی که می‌توان به این اشکالات داد:

- اساتید و مشاوران، شرایطی را تجربه کرده‌اند، نمی‌توانند کاملاً انتقال دهند زیرا هر کس باید زندگی مدرسه را، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خود، تجربه کند.

- بچه‌های زمان ما عوض شده‌اند زیرا طبیعت بشر تغییر نمی‌کند بلکه نقش آنها تغییر کرده است.

- مدیران مدرسه هم خود درگیر همین مشکلات بوده و هستند و مقصر نمی‌باشند.

- شرایط کاری و درآمد مالی هم مسأله نیست زیرا معلمین با شرایط کاری ایده‌آل و کلاس‌های کوچک و درآمد خوب به همان اندازه، احساس یأس و نارضایتی می‌کنند.

**اسطوره معلم خوب**

تعریف معلم ایده‌آل، براساس افسانه مورد باور عموم در مورد معلم و معلمی است. بعضی از این اسطوره‌های معلم خوب عبارتند از:

- آرام بودن، آشفتگی‌ناپذیر، دارای اخلاق همیشه یکنواخت، هرگز خونسردی خود را از دست نمی‌دهند، هرگز هیجانات شدید اظهار نمی‌کنند.

- احساسات خود را، از دانش‌آموزان پنهان می‌کنند.

- همیشه محیط آموزشی هیجان برانگیز، برانگیزاننده، آرام، ساکت و منظم ایجاد می‌کنند.

- ثبات اخلاقی دارند، تغییر نمی‌کنند، جهت‌گیری نمی‌کنند، چیزی را فراموش نمی‌کنند، دارای احساس غم و شادی نیستند، اشتباه نمی‌کنند.

- به همه دانش‌آموزان به یک چشم نگاه می‌کنند.

- پاسخ همه سؤالات را می‌دانند و عقل و خردی بیشتر از دانش‌آموزان دارند.

- از انسان‌های معمولی، بهتر، فهمیده‌تر، دانشمندتر و کامل‌تر و به تمام معنا فاضل هستند.

بر طبق این اسوره‌ها، معلم باید بشر بودن خود را انکار کند و نقش بازی کند وقتی معلم‌ها خود را اینگونه ارزیابی می‌کنند در نتیجه خود را کم می‌بینند.

**نظر یک معلم شرکت کننده در دوره «تربیت اثربخش در مدرسه»**

- تنها زمانی که خودم بودم، می‌توانستن تدریس کنم.

- همیشه ترس از سبک شدن یا از دست دادن کنترل وضعیت داشتم.

- نقشی که هنگام تدریس داشتم با زمانی که می‌خواستم نظم برقرار کنم، سازگاری نداشت.

- وقتی رابطه خوبی بین معلم و شاگرد برقرار شود، دانش‌آموز احساس آزادی برای یادگیری دارد.

**شرایط رابطه خوب معلم - شاگرد**

1- ارتباط باز و شفاف باشد یعنی هر دو طرف در ارتباط صادق و مستقیم باشند.

2- اهیمت دادن یعنی هر یک از دو طرف برای دیگری ارزشمند باشد.

3- همبستگی یعنی بدون داشتن وابستگی، با هم ارتباط داشته باشند.

4- جدا بودن یعنی به یکدیگر برای رشد و توسعه در زمینه فردیت، خلاقیت، یگانگی اجازه دهند.

5- برای داشتن یک رابطه خوب باید مهارت‌ها را یاد گرفت تا رابطه ارضاکننده‌تر باشد.

**چگونگی نگریستن به رابطه معلم - شاگرد**

هنگامی که معلم یک نظریه کارآمد در مورد روابط بین اشخاص نداشته باشد و بدون ذهنیت مشخص و کارآمدی وارد کلاس شود، اشکال در روابط به وجود می‌آید. برای داشتن نگاهی مؤثر و کارآمد مراحل زیر را انجام دهید.

1- یک چهارضلعی رسم کنید.

2- تمام رفتارهایی که شاگرد در حضور معلم انجام می‌دهد یا می‌گوید و تمام رفتارهایی که احتمال وقوع دارند را لیست کنید.

|  |
| --- |
| تمام رفتارهای شاگرد با شما  |

3- چهارضلعی را به دو قسمت رفتارهای قابل پذیرش و غیرقابل پذیرش تقسیم کنید.

4- از روی فهرستی که تهیه کرده‌اید، رفتارهای قابل پذیرش و غیرقابل پذیرش را در دو قسمت چهارضلعی بنویسید.

5- با توجه به تفاوت‌های فردی معلم‌ها، از بسیار قابل پذیرش تا بسیار غیرقابل پذیرش، دارای درجات متفاوتی است.

|  |
| --- |
| رفتارهای قابل پذیرش |
| رفتارهای غیرقابل پذیرش |

**تفاوت بین مربیان غیرپذیرنده و مربیان پذیرنده**

* ویژگی‌های غیرپذیرنده‌ها:

تمایل به انتقاد

دارای حد مطلوب بالا حتی برای دیگر مردم هستند.

از رفتارهای غیرمرسوم و غیرعادی لذت نمی‌برند.

در مورد درست و غلط، انعطاف‌ناپذیرند.

رفتارهای قابل پذیرش

رفتارهای غیرقابل پذیرش

* ویژگی‌های پذیرنده‌ها:

رفتارهای بسیاری را پذیرا هستند.

کمتر تمایل به قضاوت کردن دارند.

انعطاف‌پذیرند.

دارای تحمل بیشتر

نیازی به صحبت در مورد درست و غلط ندارند.

در تمام روابط انسانی بسیار پذیرنده‌اند.

مردم به دنبال هم‌صحبتی با آنها هستند.

رفتارهای قابل پذیرش

رفتارهای غیرقابل پذیرش

با توجه به ویژگی‌های افراد پذیرنده و غیرپذیرنده، طبیعی است که مردم از افراد بسیار انتقادگر و قضاوت‌کننده دوری می‌کنند زیرا ارزشیابی مداوم باعث ناراحتی و نگرانی می‌شود.

اعتقاد معلمین انتقادکننده به این رفتارها، براساس چیست؟

- آن ها با توجه به رفتارهای غیرقابل پذیرش یا نقاط ضعف را مفید می‌دانند.

- آن ها، دانش‌آموزان را دارای انگیزه کافی برای رفتارهای خوشایند نمی‌دانند.

- آن ها می‌گویند که تغییر باید با زور و فشار خارجی اتفاق بیفتد.

**تأثیراتی که معلمین انتقادکننده روی دانش‌آموزان می‌گذارند:**

1- انتقاد، ارزش‌یابی منفی و دیگر راه‌های نشان دادن ضعف‌ها، از تغییر جلوگیری می‌کند.

2- دانش‌آموزان به معلمان انتقادگر، با دست به عصا راه رفتن و قبول کمترین خطر، واکنش نشان می‌دهند.

3- دانش‌آموزان معلم را با عصیان محک می‌زنند برای اینکه ببینند تا چقدر می‌توانند پیش بروند.

4- پاسخ‌های ارزش‌یابی کننده و انتقادگر، مزاحم کلاس است و روال آموزشی را متوقف می‌کند و ساعت مفید را کاهش می‌دهد.

**آیا پذیرنده و غیرپذیرنده بودن معلم همیشه ثابت است؟**

با توجه به چهارضلعی که کشیده‌اید و رفتارهای قابل پذیرش را در آن نوشته‌اید. توجه شما را به مطالب زیر جلب می‌کنیم:

- گاهی پذیرنده‌ترین معلم‌ها، غیرپذیرنده می‌شوند.

- گاهی یک رفتار در زمانی قابل پذیرش و زمان دیگر غیرقابل پذیرش می‌شود.

- ظرفیت پذیرش هر کس از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند.

- یکی از دلایل برای خط بالا (در چهارضلی)، شخصیت و اخلاق معلم است.

- حتی پذیرنده‌ترین معلم‌ها هم، خط آن ها گاهی پایین و گاهی بالاتر می‌رود.

**سه عامل بالا و پایین رفتن خط:**

1- تغییرات در خود معلم

2- تغییرات در شخص دیگر (شاگرد)

3- تغییرات در محیط یا وضعیت

**عامل 1 - چگونه تغییرات خود (معلم) را بفهمیم؟**

- قدرت پذیرش مردم از دیگران، گاهی براساس آنچه در درون‌شان می‌گذرد، تغییر می‌کند و ربطی به شخص دیگر یا کار او ندارد.

- صبح وقتی معلم آماده فعالیت است و سرحال می‌باشد، پذیرش بیشتری دارد و هنگام بعدازظهر معلم پذیرش کمتری دارد.

- بعضی عوامل که در پذیرش معلم نقش دارند، عبارتند از: خستگی، گرسنگی، نگران از شرکت در یک جلسه بعد از مدرسه، ترافیک صبح، مسکلات فردی و غیره.

- تغییرات درونی که در پذیرش معلم نقش دارند، می‌تواند جسمی یا روانی باشد.

- به دلیل اینکه معلم هم انسان است و احساسات، هیجانات و اخلاق او، بالا و پایین می‌رود، عمل و عکس‌العمل او از زمانی به زمان دیگر متفاوت است.

**عامل 2 - چگونه از احساسات متفاوت خود در مقابل دانش‌آموزان مختلف آگاه شویم؟**

این شکل نشان‌دهنده پنجره دید یک معلم از رفتار دو شاگرد مختلف است.

 

به چه دلایلی ممکن است که یک رفتار مشابه در دو دانش‌آموز، واکنش متفاوت معلم را داشته باشد؟

1- به یکی قبلاً تذکر داده شده و دیگری بار اولش است.

2- امکان دارد دوست داشتن و نداشتن‌های شخصی و تفاوت در احساس پذیرش افراد وجود داشته باشد که باعث وجود رفتارهای مختلف نسبت به افراد متفاوت می‌شود.

**عامل 3 - چگونه تأثیر محیط یا وضعیت را درک کنیم؟**

- محیط یا وضعیتی که رفتارها در آن اتفاق می‌افتد، در پذیرش یک رفتار دانش‌آموز مؤثر است.

- رفتار در محل نامناسب و زمان نامناسب اگر اتفاق بیفتد، ناپذیرفتنی است.

- عقیده داشتن به اینکه معلم خوب همیشه بی‌نظیر، خونسر، تغییر ناپذیر، پذیرنده و پابرجاست باعث احساس دائمی شکست در خویشتن می‌شود یعنی هرگز احساس معلم خوب بودن را نخواهد داشت.

**تظاهر به پذیرش، درست یا نادرست**

گاهی اوقات به معلم از درون یا از سوی افراد دیگر، فشار وارد می‌شود تا تظاهر به پذیرش رفتارهای دانش‌آموزی کند که واقعاً دوستش ندارد یا کسی را که واقعاً خوب است، احساس کند که قبول ندارد و در این صورت یک ناحیه کاذب به وجود می‌آید که رفتارهایی در حقیقت قابل پذیرش نیستند ولی معلم طوری عمل می‌کند که نشان دهد، دانش‌آموز را می‌پذیرد و بین دو ناحیه قابل پذیرش و غیرقابل پذیرش قرار دارد.

- زمانی معلمان به دام تظاهر می‌افتند که از بایدها و نبایدها به عنوان راهنمای کنترل رفتارهای خودشان استفاده می‌کنند و از «انسان واقعی بودن» به دلیل باورهایشان فاصله بگیرند.



- بعضی از دلایلی که ممکن است معلم را وادار به تظاهر کند:

1- سرکوب نکردن احتیاجات بچه‌ها چون ممکن است بر شخصیت آنها اثر بگذارد.

2- در کلاس باید کاملاً به بچه‌ها آزادی داد.

3- هرگز نباید جلوی دیگران از بچه‌ها ایراد گرفت.

- بعضی از معلمین به همکارهای دیگر فشار می‌آورند که همان احساسی که خودشان در مورد رفتارهای معینی دارند را آنها نیز داشته باشند تا جبهه واحدی را تشکیل دهند.

- در حالتی که معلم تظاهر دارد و یا حرکات و اشارات او با کلامش متفاوت است، دانش‌آموز گیج می‌شود.

- دانش‌آموزان به پیام‌های غیرکلامی حساسند و از نشانه‌های فشار عضلات، تنگی اطراف دهان، حرکات و اشارات صورت و بدن به احساس اصلی معلم پی می‌برندزیرا آنها هر روز معلم را می‌بینند (چه در زمان‌های خوب و چه بد)، بنابراین احساس واقعی معلم که خواهی - نخواهی بروز می‌کند را می‌شناسند.

- دو انتقاد مهم که بچه‌ها نسبت به بزرگ‌سالان دارند:

1- بزرگ‌ترها به ما گوش نمی‌دهند.

2- بزرگ‌ترها متظاهرند.

- بعضی از معلمین، خودشان را در پشت میزها، نقشه‌ها، کتاب‌ها و امتحانات پنهان می‌کنند و بازی فاصله را با وجود نیاز بچه‌ها به ارتباط، ادامه می‌دهند.

- گاهی استانداردهای دوگانه سبب تظاهر معلمین می‌شود، بدین معنی که مدارس دارای دو سری مقررات، انتظارات و استانداردهایی هستند که یک سری برای بزرگ‌سالان و یک سری برای نوجوانان است. یعنی یک کار که واقعاً نامناسب است اگر از سوی بزرگ‌سالان انجام شود بدون اشکال است ولی اگر از سوی بچه‌ها انجام شود دارای اشکال است.

**مشکل مال کیست؟**

- برای تفاوت گذاشتن بین رفتارهای قابل پذیرش و غیرقابل پذیرش، از چهارضلعی استفاده کنید. این کار به معلم کمک می‌کند تا شناخت و برخورد بهتر در مورد مشکلات رابطه معلم - شاگردی داشته باشد.

- وقتی رفتار شاگرد «زیر خط» (در ناحیه غیرقابل پذیرش) است یعنی معلم مشکلی را تجربه می‌کند و این مشکل معلم است.

- زمانی مشکل مال شاگرد است که در رابطه مشکلی به وجود نیاورده است. مثلاً شاگردی که خشم و عصبانیت خود را نسبت به این که مادر او اجازه نداده است که به اردو برود، را نشان می‌دهد.

**اهمیت مالکیت مسأله**

- «کوتاهی در درک نظریه مالکیت مسأله» یکی از موانع برای رسیدن به رابطه‌ای تفاهم‌آمیز است که موجب لغزش می‌شود.

- باید بین مسائلی که دانش‌آموزان در زندگی خود دارند و برای آن ها ایجاد مشکل می‌کند با آن مسائلی که به دلیل ایجاد مزاحمت برای معلم و تأثیر واقعی و قابل لمس آن، تفاوت قائل شد و مشخص کرد.

- برای پیدا کردن این تفاوت، معلم می‌تواند از خود سؤالات زیر را بپرسد:

الف) آیا این رفتار، اثری واقعی، ملموس و محسوس بر من دارد؟

ب) آیا به این دلیل احساس عدم پذیرش می‌کنم که مزاحمت، زیان یا خسرانی بر من وارد آمده است؟

ج) یا اینکه دوست دارم شاگرد به نوعی دیگر رفتار کند که مسأله‌ای نداشته باشد، و احساسش آن‌طور باشد که فکر می‌کتن باید باشد؟

- پاسخ «بله» به سؤال «ج» یعنی اینکه مسأله به دانش‌آموز تعلق دارد.

- پاسخ «بله» به سؤال «ب» یعنی اینکه معلم دارای سهمی به سزا در مالکیت مسأله است.

اهمیت ناحیه «مسأله‌ای نیست»

- با توجه به اینکه زندگی دانش‌آموزان دارای مسائلی است که بعضی مربوط به مدرسه می‌باشد و بعضی مربوط به مدرسه نیست و آن ها می‌توانند تعدادی را حل کنند و بقیه را برای مدتی معلق بگذارند تا فکر کنند و کارهای درسی‌شان را انجام دهند و البته این یک توانایی حیاتی برای انسان است.

- در ناحیه «مسأله‌ای نیست» درس دادن و درس گرفتن می‌تواند مؤثر باشد.

- وقتی مسأله و مشکلی در زندگی دانش‌آموز وجود دارد، ترس از اینکه توسط هم‌کلاسان احمق فرض شود، و این مسأله تمرکز بر روی درس را مشکل می‌کند.

- رفتار دانش‌آموز وقتی «پایین خط» است، باعث ایجاد مشکل برای معلم می‌شود و در نتیجه تمرکز معلم را بر روی تدریس مشکل می‌کند.

**هدف کلی دوره «تربیت اثربخش در مدرسه» عبارت است از:**

الف) کمک به معلم برای بالا بردن ناحیه «تعلیم و تربیت»

ب) صرف زمان بیشتر برای تدریس اثربخش

ج) صرف زمان کمتر برای سر و کله زدن با رفتارهای دو ناحیه دیگر

در بهترین وضعیت، حتی مسائل کلی در دو انتهای شکل باقی می‌ماند.

با توجه به مسائل گفته شده در این مقاله، شما مشخص کنید که آیا درصد زیادی از وقت کلاس خود را صرف تدریس می‌کنید یا فقط گاهی اوقات گزارش‌های درخشانی از «لحظات کمیاب قابل تدریس» دارید.